



## چرا شایسته سالاری؟

قانون بستری برای رسیدن متخصص بمنظور خدمات است نه اینکه قانون خلق افراد شایسته کند!

در جواب سوال عنوان:

زیرا جوهره خلقت انسانی چنین است که هرکس برای کاری آفریده شده و شناسائی استعداد خودی و بعداً در پی آن بودن یعنی سعید بودن خودش در مقدم و موجودیتش در دنیا مسبب سعادت جامعه و کشورست. و اینکه تبعیض مارا نابینا کرده باشد و عینک ما همه را سیاه ببینید که در پاسخ این حالت باید گفت: مشرکین کعبه آنجناب را مخاطب قرار داده گفتند: می شود که پسر های ما از ما نباشد و زن های ما به ما خیانت کرده باشند که در مقابل پیامبری شما همین قدر هم شک و تردید نداریم ولی اینکه چرا ایمان نمی آوریم چون قبایل ما همیشه در تضاد و رقابت بوده است.

### عدم های شایسته سالاری در افغانستان:

- در سیاست های کلان: شخصیت های تاثیر گزار ما چون: داود خان، دکتر نجیب و شهید احمدشاه مسعود ... توسط استخبارات های بیرونی ترور می شوند زیرا در فقدان رهبر های حقیقی افغانستان با ثبات در واقعیت واقع نمی شود.
- ملاهای از مبانی اسلام سیاسی: در اول تکرار احسن می کنیم: که منظور از اسلام سیاسی جدای دین از سیاست نیست بلکه اسلام و عقاید اسلام ابزاری برای رسیدن به قدرت است که دولت در چنین حالت فاقد سیاست مداری است که شایسته دولت داری باشد.
- وابستگی و توجه بردگی: در بین جوانان چنان تلقین شده که این کشور همیشه و مدام در این حالت عقب ماندگی می ماند و روحیه امید به منابع گذر آن از حالت کنونی نیز سلب می شود بطور مهندسی شده...
- معارف: جوان بعد اینکه فارغ لیسه هم می شود مسیر زندگی و هویت کسبی که در قالب آن به جامعه پدیدار شود نامعلوم است. یعنی معارف بگونه کالج بهتر و تجویز بهتر برای بحران هویت جوانان است و رنه گروه های سلفی و تکفیری ها برای جلب آنها طبق برنامه از قبل آماده عسکر گیری اند.
- مساجد: در زمانه حضرت نبی اکرم صلوات علیه سه یا چهار مسجد بیشتر نبوده است ولی بهترین ساجدین در خلقت آنها بودند. که متأسفانه با وجود ضروریات جدی بر مکان های خدمات عامه در افغانستان در هر منطقه بیشتر از ضرورت مساجد اعمار شده که اکثر مساجد توسط وهابی ها یا اشراف استخباراتی دینی اداره می شوند - که در مقدم موارد را اختلافی می کنند که از ریشه خیر القرون آن موارد اختلافی نبوده زیرا اول آب پاک را گل آلود می کنند تا ماهیگیری کنند. که یکی از کارهای خوب طالبان سرکوب وهابی ها بود بعد از ۲۰۲۱
- تعصبات سمتی: بعد فروپاشی قدرت شوروی در افغانستان اکثر افراد که با ایده های مارکسیستی به همراه هستند و بودند با لباس جدید سیاسی یعنی تعصبات قومی وارد کشور شده اند. ولی عامل اصلی اینکه در طول

بیست از شروع بن ۲۰۰۱ روحیه ملی را با تقسیم کردن قدرت بین اقوام و قومگرایی و سمت گرایی را در جامعه سیاسی به اوج رساندن.

اگر فارغ از تعلقات قومی، سمتی و زبانی و باوری یک فرد شایسته را برای خدمت عامه انتخاب می‌کنیم، نمایانگر اینست که در اول خداوند و خلقت وی را تکریم کرده ایم و ثانیاً ببدون شک در این انتخاب نفع و خیر دنیایی کسانی که انتخاب می‌کنند نیز می‌باشد. و از اینجاست که به نظم پایدار و ستودنی روبرو می‌شوم که توسعه و تمدن دنیا و معنویت دینی را همه به همراه دارد.

## محمد آصف فقیری



برای مطالب دیگر محمد آصف فقیری روی عکس کلیک کنید

